

انواع صفت

(از نظر معنی)

دانستیم که :

صفت کلمه‌ای است که توضیحی به معنی اسم می‌افزاید و بنابراین وابسته اسم است .

اکنون می‌گوییم که آنچه صفت به مفهوم اسم می‌افزاید، یکی از این معانی است :

۱ - گاهی صفت حالت یا چگونگی یا یکی از خصوصیات اسم را از قبیل : شکل، رنگ، مزه، اندازه، وضع، و مانند آنها بیان می‌کند.
مثلاً :

در جمله: «سیب قرش خریدم.» صفت قرش بیان کننده مزه است .

در جمله: «سیبهای درشت را کنار بگذار» صفت درشت بیان کننده اندازه است .

در جمله: «سیب سرخ می‌خواهم» صفت سرخ بیان‌کننده رنگ است.

در جمله: «سیب گندیده را دور بینداز» صفت گندیده بیان‌کننده حالتی است.

در جمله: «سیب گرد زیباست» صفت گرد بیان‌کننده شکل است. اینگونه صفتها را که حالت یا چگونگی اسم را بیان می‌کنند صفت توصیفی می‌خوانیم.

۲- گاهی صفت شماره یا مقدار اسم یا ترتیب آن را نسبت به هم‌نوع خود معین می‌کند. مثلاً:

در جمله: «پنج سیب خریدم.» صفت پنج بیان‌کننده شماره سیب است.

در جمله: «یکی مرد جنگی به از صد هزار.» صفت یکی بیان‌کننده شماره مرد است.

در جمله: «خانه او در طبقه دوم است.» صفت دوم بیان‌کننده ترتیب طبقه است.

در جمله: «سومین دفتر مثنوی منتشر شد.» صفت سومین بیان‌کننده ترتیب دفتر است.

اینگونه صفتها را که شماره یا مقدار اسم یا ترتیب آن را بیان می‌کند صفت عددی می‌خوانیم.

۳- گاهی صفت مفهوم اشاره به اسمی را که موصوف است در بر

دارد .

در جمله: «این دانش آموز خوب درس می‌خواند.» صفت این بیان‌کننده اشاره به دانش آموزی است که نزدیک است .

در جمله: «آن درخت شکست.» صفت آن بیان‌کننده اشاره به درخت دوری است .

اینگونه صفتها را صفت اشاره‌ای می‌خوانیم .

۴ - گاهی صفت مفهوم پرسشی را از چگونگی یا نوع یا شماره موصوف در بر دارد .

در جمله: «کدام کتاب را خریدی؟» صفت کدام پرسش است از نوع کتاب .

در جمله: «چند گردو داری؟» صفت چند پرسش است از شماره گردو .

در جمله: «چه کتابی می‌خوانی؟» صفت چه پرسش است از نوع کتاب .

در جمله: «هرمز چگونه مردی است؟» صفت چگونه پرسش است از چگونگی مرد .

اینگونه صفتها را که مفهوم پرسش از آنها بر می‌آید صفت پرسشی می‌خوانیم .

۵ - گاهی صفت به اسم می‌پیوندد تا مفهوم چگونگی، یا شماره، یا حالت، یا نوع موصوف را بطور مبهم و نامعین بیان کند .

در جمله: «چند کتاب خریدم.» صفت چند بیان‌کننده شماره مبهم

و نامعین کتاب است .

در جملهٔ : «هیچ کس را ندیدم.» صفت هیچ بیان کنندهٔ کس نا معینی است .

در جملهٔ : «بعضی دانش آموزان درس نمی‌خوانند.» صفت بعضی بیان کنندهٔ عدهٔ نا معینی از دانش آموزان است .

در جملهٔ : «چندین دانش آموز از دبیرستان بیرون رفتند.» صفت چندین بیان کنندهٔ عدهٔ نامعینی از دانش آموزان است .

اینگونه صفتها را، که مفهوم عدد یا چگونگی یا حالت مبهم و نا معینی از آنها بر می‌آید ، صفت مبهم می‌خوانیم .

صفت از نظر معنی بر پنج گونه است :

- ۱ - صفت توصیفی صفتی است که حالت یا چگونگی یا یکی از خصوصیات اسم را مانند: شکل، رنگ، مزه، اندازه، وضع و مانند آنها بیان می کند .
- ۲ - صفت عددی صفتی است که شماره یا مقدار یا ترتیب اسم را بیان می کند .
- ۳ - صفت اشاره ای صفتی است که با آن به موصوف اشاره می شود.
- ۴ - صفت پرسشی صفتی است که با آن از نوع یا چگونگی، یا شماره موصوف پرسش می کنند .
- ۵ - صفت مبهم صفتی است که نوع یا چگونگی یا شماره موصوف را با ابهام و بطور نامعین بیان می کند .

صفت

مقام آن نسبت به اسم

در فارسی امروز صفت توصیفی بیشتر پس از اسم یعنی موصوف می‌آید و رابطهٔ میان این دو کلمه حرف نشانهٔ (-) است که «کسرهٔ اضافه» خوانده می‌شود:

مردِ زورمند، شاگردِ خوب، پسرِ مهربان

اما در زبان ادبی قدیم، و خاصه در شعر، صفت توصیفی در موارد بسیار پیش از موصوف می‌آمده و در این حال دیگر حرف نشانهٔ (-) بکار نمی‌رفته است:

فردوسی بزرگ مردی بود . نیکو سخنی گفتی . عظیم کاری کرد .

صفت عددی که تنها شمارهٔ موصوف را بیان می‌کند، اکنون همیشه پیش از اسم می‌آید:

پنج کتاب، دوازده قلم، صدویست کتابچه، بیست و یک دفتر .

اماد ادبیات قدیم گاهی صفت عددی را پس از موصوف می آوردند :

بسی رنج بردم درین سال سی (شاهنامه) یعنی «سی سال»

برادر دو بودند از یک پدر (شاهنامه) یعنی «دو برادر»

در این حال گاهی به آخر اسم حرف نشانه «ی» می افزودند :

سالی دو بر این بر آمد (گلستان) یعنی «دو سال»

صفت عددی که ترتیب را بیان می کند در فارسی امروز پس از اسم

می آید :

کتاب ششم را خواندم . خانه ما در کوچه سوم است .

در نظم و نثر قدیم گاهی عدد ترتیبی را پیش از اسم می آورده اند :

سوم روز آهنگ پیکار کرد .

صفت ترتیبی که با پسوند «ین» بکار می رود گاهی پیش از اسم و

گاهی پس از آن واقع می شود :

دفتر چهارمین دفتر

صفت مبهم نیز در فارسی امروز بیشتر پیش از موصوف واقع

می شود :

ما چند صفحه خواندیم .

و گاهی بعد از موصوف می آید :

من کتابهای بسیار خوانده ام .

اما در نظم و نثر قدیم گاهی صفت مبهم را پس از موصوف می-

آوردند و در این صورت به آخر اسم نشانه «ی» می افزودند :

دمی چند گفتم بر آرام بکام دریغا که بگرفت راه نفس

(گلستان)

چارپایی بر او کتابی چند .

صفت پرسشی همیشه پیش از موصوف می آید :

چند کتاب خریدی ؟

صفت اشاره‌ای نیز همیشه مقدم بر اسم است

آن مرد از راه باز گشت .

صفت توصیفی در فارسی امروز بیشتر پس از اسم می آید. اما در

نظم و نثر قدیم گاهی پیش از اسم می آمده است .

صفت عددی و صفت مبهم مقدم بر اسم است. اما در ادبیات قدیم

گاهی آنها را پس از اسم می آوردند . در این حال به آخر موصوف

حرف نشانه «ی» را می افزودند .

صفت عددی با پسوند «-م» در فارسی امروز همیشه پس از اسم

می آید، اما در ادبیات قدیم گاهی پیش از اسم می آمده است .

صفت عددی با پسوند «-مین» گاهی پیش از اسم و گاهی پس از

آن می آید .

صفت پرسشی و صفت اشاره‌ای همیشه پیش از اسم واقع می شود .